

# خداشناسی و پرستش در عیلام و ایران هخامنشی

ناید ماری کنخ  
ترجمه کنکین میری

البته قابل توجه است که شیلاک اینشوشیناک اول (Shilkhak-Inshushinak I) حدود ۱۱۲۰-۱۱۵۰ پ.م - بعدها سموت را «ایزد عیلام» خوانده است. در جایی دیگر، از او با عنوان «بیک نیرومند ایزدان» یاد شده است. سموت در طی قرن‌ها، به خصوص در اسامی دوران عیلام قدیم (تا حدود قرن ۱۵ پ.م) همواره ظاهر می‌شود، اما او هرگز دارای مقام شامخی نبود. ایزد - بانوی همسر او، منزت (Manzat) بود. این نام که از اکدی گرفته شده است به معنای «رنگین کمان» است. نام منزت هم مانند نام شوهرش در چند نام خاص عیلام قدیم دیده می‌شود که تعدادی از آنها اسامی زنان هستند. پس از سال ۱۰۵۰ پ.م این ایزد بانو را به جای «منزت» نین الی (NIN- ali) یا بت الی (Belet- ali) یعنی «بانوی شهر» نامیدند. احتمالاً یکی از وظایف این ایزد- بانو مراقبت از زنان باردار بوده است، زیرا هدایای نذری پیدا شده در معبد او در دور اوتناش (چغازنبیل امروزی) زنانی را نشان می‌دهد که سینه‌های خود را بالا گرفته‌اند. در این صورت رقیب اصلی این ایزد بانو لاماشتوی (Lamashtu) ترسناک است. لاماشتو عامل تب و لرز و مرگ و میر نوزادان بوده و در یک متن جادویی که از اوروک بدست آمده، «یک عیلامی» نامیده شده است. در عیلام وظیفه‌ی او نگهداری معابد بوده است.

جانشین لوخ- خیشان، هیشپ راتپ (Khishep- ratep) بود (حدود ۲۳۳۰ پ.م) که نامش به معنای «روزی دهنده مشهور» است. در اصل این نام باید قسمتی از یک نام بلندتر باشد که در آن «هیشپ- راتپ» به منزله‌ی نام ایزد در اسامی ترکیبی دیده می‌شود. معمولاً اسامی خاص به صورت ترکیبی بودند، مثلاً: «ایزد فلان مرا دوست دارد» یا «ایزد بهمان حامی من یا حامی او است». هنگامیکه این جمله‌ها که به منزله‌ی نامهای خاص بکار می‌رفتند، طولانی می‌شدند آنها را مختصر می‌کردند، به طوری که فقط نام ایزد باقی می‌ماند. «پ» جمع در آخر نامها، دلالت بر یک گروه از ایزدان دارد. در واقع گروهی از ایزدان وجود دارند که حدود بیش از هزار سال بعد، اوتناش ناپیریشا (Untash- Napirisha) - حدود ۱۲۲۰-۱۲۷۵ پ.م - در شهر

درباره‌ی مذهب عیلامی به سختی می‌توان قاطعانه سخن گفت. چیزی از ادبیات عیلامی در دست نیست؛ فهم زبان عیلامی نیز هنوز دشواری‌ها و ابهام‌های فراوانی دارد و درباره‌ی اسطوره‌شناسی عیلامی چیزی نمی‌دانیم. منبع اصلی اطلاعات ما کتیبه‌های شاهان در بناها و نیز وقف نامه‌ها هستند. این منابع نشان می‌دهند که کدام یک از ایزدان برای برخی از پادشاهان و سیاست‌های آنها اهمیت داشته‌اند. از روی نامهای خاص بر جای مانده، می‌توان به عقاید مردم آن دوران پی برد (نام اشخاص اغلب در برگیرنده‌ی نام ایزدان است). استاد حقوقی و اداری که در برگیرنده‌ی نامهای بسیاری هستند، به گونه‌ای پراکنده باقی مانده‌اند. با این وصف و به رغم دشواری‌ها، اگر همه موارد مربوط به نامهای ایزدان در نظر گرفته شود و همه‌ی موارد پراکنده در غالب یک کل واحد انگاشته شوند، می‌توان درباره مجموعه‌ی ایزدان عیلامی به نتایجی رسید.

عیلامی‌ها بیش از صدها سال با ساکنان بین النهرین ارتباطی نزدیک داشتند و مدت‌ها تحت فرمان اکدی‌ها بودند. پادشاهان عیلامی مجسمه‌های ایزدان را به منزله‌ی غنیمت جنگی از بین النهرین به عیلام می‌آوردند و شاهزادگان اکدی و بابلی نیز در نتیجه‌ی ازدواجهای سیاسی به دربار شاهان عیلام راه پیدا می‌کردند. به همین دلیل عیلامی‌ها برخی از ایزدان سومری و اکدی را نیز می‌پرستیدند.

## ایزدان عیلامی

در اواسط هزاره‌ی سوم پیش از میلاد برای نخستین بار، با نامهای ایزدان عیلامی به صورت جزئی از نامهای مرکب پادشاهان روبرو می‌شویم. در زمان حکومت لوخ- خیشان (Lukh Khisshan) در آوان - معاصر با سازگن اکدی (حدود ۲۲۷۹-۲۳۳۴ پ.م) - از نایب السلطنه‌های عیلامی به نام سنم - سیموت (Sanam - Simut) ذکری به میان آمده است. بنابراین سیموت (Simut) اولین ایزد عیلامی است که در تاریخ ظاهر شده است.

یک آشتام (aštam) هم برای وی ساخت. آشتام از آشتامو (aštammu) اکدی گرفته شده و به معنای «مهمانخانه» است. مهمانان در این مهمانخانه ها با آبجو پذیرایی می‌شدند. این مکانها به منزله نوعی روسپی خانه هم بودند. پی نی کیر نیز مانند اینانای سومری (Inanna) مشخصاً مسؤول عشق و زندگی جنسی بود و همچون ایشتر بین النهرین در طول هزاره‌ی دوم پ.م. سیما و ترکیبی مادرانه پیدا کرد. این موضوع از مجسمه‌های گلی پخته که از معبد پی نی کیر در دوراوتاش بدست آمده اند و مادرانی را در حال شیر دادن نشان می‌دهند، معلوم می‌شود.

مقارن با پایان تاریخ عیلام، دو تن از شاهان پی نی کیر را پرستش می‌کردند. شوتروک ناهوتنه دوم (Shutruk- Nakhunte II) حدود ۶۹۹-۷۱۷ پ.م. او را «بانوی آسمان، ایزدمن» و تمیت- هومبان- اینشوشیناک (Tempt- Khumban - Inshushinak) حدود ۶۵۳-۶۶۸ پ.م نیز او را «ایزدمن» نامیده است و پس از آن دیگر ذکری از او میان نیامده است.

از آغاز هزاره دوم پیش از میلاد از الهه دیگر، کی ری ری شا (Kiririsha) «بانوی بزرگ»، در یک متن جادویی عیلام قدیم که از بین النهرین بدست آمده است و نیز در نامهای خاص اسم برده شده است. چنین به نظر می‌رسد که در مقطعی از تاریخ، نام پی نی کیر نوعی تابو محسوب می‌شده و از همان زمان به بعد او تنها با عنوان «بانوی بزرگ» خوانده شده است. البته این ادعا را نمی‌توان ثابت کرد. همچنین شاید کی ری ری شا لقب او بوده و یا اصولاً معرف ایزد - بانوی دیگری باشد. کی ری ری شا با شهر لیان (بوشهر امروزی) در ساحل خلیج فارس ارتباط خاصی داشت. شاید او یک ایزدبانوی محلی بود که در سراسر کشور عیلام نفوذی بدست آورد. حداقل در دوران عیلام میانه او ایزد- بانوی مستقلی در کنار پی نی کیر بود و مشخصاً قدرتی بیش از آن رقیب قدیمی داشت. در متون، او را «بانوی آسمان»، «مادر ایزدان» و «ملکه بزرگ» خوانده‌اند. با توجه به هدایای وقفی یافته شده در معبد این ایزدبانو که بیشتر تبرهای جنگی هستند، می‌توان گفت احتمالاً کی ری ری شا الهه‌ی جنگ و ستیز بوده است. کی ری ری شا نیز مانند پی نی کیر در دوران عیلام جدید ناپدید شد.

در پیمان نامه نارامسین پس از پی نی کیر و «نیکی ایزدی آسمان» نام هومبان (Khumban) آمده است. در مجموعه‌های جادویی اکدی موسوم به شورپو (Šurpu) هومبان معادل انلیل (Enlil) است. انلیل «ایزدباد» که ایزد اصلی مجموعه خدایان سومری است، برهوا و قضا فرمان می‌راند و می‌توانست طوفانهای مصیبت باری علیه دشمنان به راه بیندازد. پدر او آن (An) آنوم (Anum) اکدی همان «آسمان» بود که برترین ایزد سومری محسوب می‌شد اما خیلی زود پسرش انلیل، جایگزین او شد.

در عیلام نیز نمونه‌ی قابل مقایسه‌ای وجود داشت. در شورپو، ایزد یابرو (Yabru) «آنوم عیلام» خوانده می‌شود. نام او فقط یک بار در یک اسم مکان (ya- ab- ru- ki) و در یک نام خاص اکدی - عیلامی باقی مانده است. یابرو احتمالاً یک ایزد عیلامی بسیار قدیمی بوده که پسرش هومبان او را کنار زده است. احتمالاً همین یابرو است که پشت واژه‌ی متداول تمیت (Tempt) «سرور» که در کتیبه‌های زیادی پیدا می‌شود، پنهان شده است. اصطلاح «سرور» به منزله‌ی یک پیشوند در مورد ایزدان متعددی بکار رفته است، برای مثال «یک سرور بخشنده هوتران است» یا «اینشوشیناک سرور شهر رفیع» اما در سایر موارد به نظر می‌رسد تمیت نام یک ایزد خاص باشد. در این موارد غالباً به صورت جزئی از نامهای خاص مرکب عیلام قدیم دیده می‌شود. اسناد حقوقی شوش که مربوط به آغاز هزاره‌ی دوم پ.م است، شامل هفتاد و هشت نام خاص هستند که با تمیت ترکیب شده‌اند. از سوی

مقدسش دور اونتاش، معبدی برایشان ساخت. این ایزدان نپ- راتپ (Nap- ratep) یا «ایزدان روزی دهنده» خوانده می‌شوند.

در پایان قرن ۲۳ پ.م. ایشبا (Eshba) یا ایشبوم (Eshbum) حاکم شوش (همان شوشان مذکور در کتاب مقدس) مجسمه سرور اکدی خود مانیش توشو (Manishtush) - حدود ۲۲۵۵-۲۲۶۹ پ.م. را وقف ایزدبانو ناروندی (Narunde) کرد. ایزد بانویی که فقط در دوران عیلام قدیم ظاهر می‌شود. او در منابع اکدی «خواهر هفت دیو» نامیده شده است. دو گروه دیو وجود داشته است: دیوهای خیر و دیوهای شر. دیوهای خیر «هفت مرد خردمند» نیز نامیده می‌شدند. خواهر آنها ناروندی، در متون جادویی مصمم به جنگ با دیوهای شر است و به نظر می‌رسد غالباً پیروز باشد، چرا که بعدها ناروندی به ایزدبانوی پیروزی بدل شد. یک شیر همیشه او را همراهی می‌کند. در فهرستی از ایزدان بین النهرینی که آن- آنوم (An- Anum) نام دارد، به «هفت ایزد عیلام» اشاره‌ای شده است که شاید همان هفت دیو خیر یا برادران ناروندی باشند. در متون اکدی دوران بابل قدیم به بعد نیز به یک گروه هفت تایی (۶) از «ایزدان بزرگ آسمان» با نان ایگی گی (Iggi) بر می‌خوریم. این عنوان اسم تصغیر (اسم کوتاه شده یا لقبی خودمانی) واژه عیلامی igi است که به معنای «برادر» است. افزون بر این ایگی گی به عنوان نام اختصاری و نیز جزئی از یک نام تئوفوریک (۱)، مثلاً در نام - gi-gi-tu-ni-iš به معنای «داده شده از طرف [ایزدان] Iggi» هم به کار می‌رود. جالب است بدانیم که در همه این عبارتها همین گروه از ایزدان دیده می‌شوند و ریشه و مبدأ آنها عیلامی است.

به طور خلاصه، سیموت «ایزد عیلام» ناروندی ایزد بانوی پیروزی، و دو گروه از ایزدان یعنی «روزی دهنندگان مشهور» و «هفت مرد خردمند» نخستین ایزدان عیلامی هستند که رد آنها در تاریخ قابل پیگیری است. قدیمی‌ترین سند بر جای مانده به زبان عیلامی، پیمان نامه‌ای است که بین خیتا (Khita) پادشاه عیلامی و نارامسین (Naram- Sin) اکدی (حدود ۲۲۱۸-۲۲۵۴ پ.م) بسته شده است.

در ابتدای این پیمان نامه سی و هفت ایزد به شهادت گرفته شده‌اند که در راس آنها ایزد- بانو پی نی کیر (Pinengir) و «نیکی ایزدی آسمان» (dba- ha- ki- ki- ip) قرار دارند. آیا اینها همان «ایزدان بزرگ آسمان»، «هفت ایزد عیلام» یا «هفت مرد خردمند» و به عبارت دیگر برادران ناروندی هستند؟ به نظر می‌رسد که اینطور باشد. شاید بتوان اینها را در قرون بعد نیز ردیابی کرد. مثلاً هنگامی که هومبان نوما (Khumban numena) - (حدود ۱۲۷۵-۱۳۰۰ پ.م) از «ولینعمتان ایزدی» (dba- ha- hu- ti- ip-pe) یاد می‌کند، یا زمانی که آدد- همیتی - اینشوشیناک (Adda-Khamiti- Inshushinak) (حدود ۶۴۸-۶۵۳ پ.م) از «نیکی ایزدی» (dba- ha- ib- be) نام می‌برد.

از آنجا که پی نی کیر نخستین کسی است که در پیمان نامه به شهادت گرفته شده است، می‌توان چنین پنداشت که در مجموعه‌ی ایزدان عیلامی او ایزد - بانوی اصلی بوده است. حتی نشانه‌هایی از یک مادر - سالاری عیلامی ابتدایی که شاید بازتابی از یک موقعیت مشابه زمینی در آسمان باشد در این متن وجود دارد. با این حال، این مادر - سالاری آسمانی از سایر کتیبه‌ها استنباط نمی‌شود، حتی نام پی نی کیر به ندرت در سایر متون آمده است و نامهای خاص بسیار کمی هم با نام او ترکیب شده‌اند. تا قبل از دوران عیلام میانه درباره‌ی شخصیت پی نی کیر چیزی نمی‌دانیم. اونتاش نابیریشا - (حدود ۱۲۴۰-۱۲۷۵ پ.م) در شهر مقدس خود، دوراوتاش معبدی به این ایزد بانو اختصاص داد، یک مجسمه طلا به او هدیه کرد و

همه‌ی دوران‌ها او یک ایزد قدرتمند بود و در دوره‌ی هخامنشی نیز همچنان پرستش می‌شد. ناپیرشیا و کی ری ریشا جفتی تشکیل دادند و معابد غالباً وقف هر دوی آنها می‌شد. در دوران عیلام میانه آنها رابطه‌ی نزدیکی با اینشوشیناک پیدا کردند و یک مجموعه سه‌تایی را بوجود آوردند. در آن هنگام اینشوشیناک قوی‌ترین ایزد عیلام بود. پسر ناپیرشیا و کی ری ری شاه هوتران بود که احتمالاً به معنای «چیره شونده» است. پس او باید از ایزدان جنگاوران و سربازان بوده باشد.

حال می‌توانیم به پیمان نارامین بازگردیم. در ادامه‌ی فهرست ایزدان شاهد پیمان‌نامه، پنج ایزد نام برده شده‌اند که همیشه با همین ترکیب از آنها یاد می‌شود: «ناهوته شاه را دوست دارد، او پیرو اینشوشیناک است و شاه از سیاشوم (Siyashum) ناپیر (؟) و ناروندی اطاعت می‌کند». مشخصاً ناهوته ایزد مورد علاقه‌ی خیتا و در فهرست ایزدان شاهد، جزء اولین‌هاست. ناروته که ایزد خورشید عیلام و معادل اُتو (Utu) سومری و شاماش (Shamash) اکدی بود، همان نقش را داشت و همانند این دو مسؤول قانون و عدالت بود. ایزد خورشید همواره به شهادت گرفته می‌شد ضمن رعایت عدالت و انجام قضاوت بود و در نفرین‌نامه‌ها از او خواسته شده تا کودکان را از شر حفظ کند.

در اسطوره‌شناسی بین‌النهرین ایزد خورشید فرزند ایزدماه، نانا (Nanna) سومری و سین (Sin) اکدی و برادر اینانا/ایشتار (Ishtar/ Inanna) بود و در شکل شناسی نیز ارتباط نزدیکی با آنها داشت. در عیلام ایزدماه احتمالاً ناپیر بود یا از وی فقط با واژه «ایزد» یاد می‌شد. اگر این تعیین هویت درست باشد مبین این است که زمانی او جایگاه بسیار والایی داشته است. او در فرمول پیمان نامه نارامین هم ذکر شده است. ناپیر در طی قرن‌ها، البته نه به صورت رایج و غالب، جزئی ترکیبی در اساس خاص بود و اغلب با شکل نگار سومری EN.ZU<sup>۴</sup> نوشته شده است.

درباره‌ی ایزد- بانو سیاشوم چیز زیادی نمی‌دانیم. شاید او «نگهدارنده‌ی کاخ ایزدان» بوده است. علاوه بر پیمان نارامین، جزء ترکیبی دو نام خاص عیلام قدیم بوده و معبدی نیز توسط اونتاش ناپیرشا وقف او شده بود. اینشوشیناک مهم‌ترین ایزد نزد خیتا محسوب می‌شد که خود را پیرو اینشوشیناک می‌دانست. در پایان پیمان نامه، خیتا همه‌ی موارد مورد توافق و محسمه‌ی یادبود نارامین را تحت حمایت اینشوشیناک قرار می‌دهد. پس اهمیت این ایزد در قدیمی‌ترین سند به زبان عیلامی آشکاراست. نام او از نین- شوشیناک (Nin- shushimak) «سرور شوش» گرفته شده است و بنابراین ایزد شهر شوش بوده است. از آنجا که او در همه‌ی کشور عیلام صاحب نفوذ شد، شوش می‌باید در دوران بسیار اولیه شهر فوق‌العاده قدرتمندی بوده باشد. برای همه‌ی پادشاهان عیلامی و نزد همه‌ی مردم، اینشوشیناک مهم‌ترین ایزد بود. او بخش ترکیبی صدها نام خاص و مورد استمداد شاهان بسیاری بوده است.

در فهرست ایزدان یا «آن- انوم» اینشوشیناک معادل نینورتا (Ninurta) است. نینورتا ایزد شهر نیپور (نوفار امروزی) بود. اعتقاد بر این بود که او بزرگترین پسر انلیل - که معادل هومبان بود- بوده است. نینورتا مسؤول برکت و حاصلخیزی و رشد گیاهان و آبهای پر از ماهی بود. او باعث طغیان آب در بهار می‌شد که برای فراوانی محصول ضروری بود. پس او برای کشاورزان بیشترین اهمیت را داشت و «خیش خداوند» نیز خوانده می‌شد. از سوی دیگر، او یک پادشاه و راهبر در جنگ محسوب شد و مدافع کشور علیه دشمنان خارجی و قاضی رسیدگی به شکایات در داخل کشور بود.

دیگر نامهای مرکب از هومبان فقط سه بار و اسامی مرکب از پی نی کیر پنج بار دیده می‌شوند.

تمیت ترجمه‌ی عیلامی بل (Bēl) اکدی است. در بین‌النهرین نیز بل به منزله سرور شهرهای مختلف و در عین حال یک ایزد مشخص ظاهر شده است و در دوران کاسی متأخر غالباً معادل مردوک (Marduk) شهر- ایزد بابل بوده است. همتای مونث او (Bēltiya) «بانوی من» بود که در دوران عیلام میانه نیز ایزد بانویی متمایز بود.

در یک متن تقریباً جدیدتر اشاره‌ای به کار ویژه تمیت شده است. در این متن آمده است که او برکت دهنده‌ی آب و زمین است. لذا ممکن است نام ایزد قدیمی «یابرو» نیز مانند نامهای پی نی کیر و هومبان زمانی نوعی تابو محسوب می‌شده که بعدها به سادگی فقط تمیت، «سرور» خوانده شده است. از آنجا که اطلاعات بسیار کمی درباره‌ی این ایزد قدیمی داریم، نمی‌توان گفت همسر او چه کسی بوده است. شاید همسر او ایزدبانوی زمین باشد که در متون فقط با پسوند «کی» (KI) معرفی شده است، کسی که اسم عیلامی او مورون (Murun) است. او تنها در دوران هخامنشی به منزله‌ی دریافت‌کننده‌ی هدایا ظاهر می‌شود و منابع هخامنشی در متنی آمیخته به ایزدان «ماد» به توصیف او می‌پردازند. اما اگر ایزد- مادری وجود داشته باشد به زمانهای دورتری مربوط می‌شود. شاید کار ویژه این ایزد- مادر قدیمی به دخترش (؟) پی نی کیر رسیده باشد. پسر «یابرو» و «کی» - ایزد - مادر «زمین» - احتمالاً هومبان بوده است.

هومبان نیز در تاریخ عیلام بسیار زود ظاهر شد. ممکن است نام اولین پادشاه شناخته شده عیلامی که احتمالاً در اوایل هزاره‌ی سوم پ.م. فرمانروایی می‌کرده است، از نام هومبان گرفته باشد. در حماسه‌ی گیلگمش از او با نام هوواوا (Khuwawa) یاد شده است و سنت متأخرتر او را «هوم بابا» خوانده است. در طی قرن‌ها هومبان گاهگاهی به منزله‌ی جزئی از اسامی خاص مرکب ظاهر شده است. اما در کتیبه‌های شاهان نام او کمتر آمده است. اونتاش ناپیرشیا، پادشاه عیلام میانه به او نیز همچون اکثر ایزدان، معبدی در شهر مقدس خود دوراوتاش اختصاص داد. بعدها آدد- همیتی- اینشوشیناک از او ذکری به میان می‌آورد. در اینجا به پدیده‌ای مانند آنچه درباره‌ی ایزد- بانو پی نی کیر دیدیم، بر می‌خوریم. هر دوی اینها از ایزدان عیلامی قدیمی بودند که ابتدا در راس مجموعه ایزدان قرار داشتند ولی نفوذ خود را در طول زمان از دست دادند و سپس در اواخر تاریخ عیلام موفق شدند مجدداً بخشی از اهمیت ابتدایی خود را بدست آورند.

از یک دیدگاه دیگر نیز نظایری وجود دارد. در زمان کی ری ری شا ایزدی به نام ناپیریشا (Napirisha) یا «ایزد بزرگ» که غالباً به صورت GAL<sup>۵</sup> نوشته می‌شود- حضور پیدا می‌کند. در شورپو، ناپیرشیا معادل اِا (Ea) یا انکی (Enki) «سرور زمین»، ایزد عقل و جادو است که چشمه‌های آب شیرین را نیز از زمین می‌جوشاند. تصاویر بر جای مانده او را در حالی نشان می‌دهند که فواره‌های آب از شانه‌هایش بیرون می‌آیند. لذا ممکن است نقش برجسته‌های عیلامی همچون نقوش کورانگون و نقش رستم معادل‌های عیلامی این ایزد را با نام ناپیرشیا، نشان دهند. معلوم نیست که آیا ناپیرشیا نام تابوی هومبان بوده است یا خیر. می‌توان این مورد را پدیده‌ای نظیر وضعیت پی نی کیر- کی ری ری شا و احتمالاً یابرو- تمیت فرض کرد. اما ناپیرشیا نیز بایست خیلی زود به منزله‌ی یک ایزد مستقل شناخته شده باشد. مسؤولیت‌های جهان بین این دو ایزد تقسیم شده بود. هومبان فرمانروای مناطق بالاتر جو و ناپیرشیا فرمانروای زمین بود. در این کارکرد اهمیت ناپیرشیا به سرعت افزایش می‌یابد و جانشین رقیب هومبان می‌شود. در

rater) و هیش میتک (Khish- mitek) نیز معبدی ساخت. زوهوراتر «روزی دهنده‌ی فرزندان مشروع» بود. احتمالاً او همان ایزدی است که در شوربو تحت عنوان لوهوراتیر (Lakhuratill) از او صحبت شده است. در آنجا او معادل نینورتا است، اما چنانکه در پیش دیدیم، نینورتا از سایر جهات با اینشوشیناک مطابق است. پس زوهوراتر احتمالاً ایزدی محلی با کارکردهای مشابه بوده است. هیش میتک همچون تیروتیر (Tirutir) یا تیرومی تیر (Tirumitir) از سایر جهات ناشناخته است. اوپورکوباک (Upurkubak) و هاتریش نی (Khatrishni) جفتی تشکیل می‌دهند. در یک متن اوپورکوباک «بانوی راه نجات یا اشرف» نامیده شده است. نام همسر او اخیراً بدست آمده و می‌توان آن را بدین صورت ترجمه کرد: «باشد که عشق او عمیق شود». علاوه بر این ایزدان، در دنیای اسطوره‌ای عیلام جمعیت کثیری از موجودات افسانه‌ای هم وجود داشتند که بیشتر آنها نیم آدم - نیم حیوان بودند. از روی نقش مهرها می‌توان درباره‌ی این موجودات اطلاعاتی بدست آورد. روی مهرها آنها مشغول کار در مزارع هستند و یا به مثابه «ارباب حیوانات» دیده می‌شوند؛ ظاهر آنها روی نقش مهرها متناوباً یا به صورت رام کنندگان حیوانات یا قربانیان آنها است. در بیشتر موارد آنها رفتاری مشابه رفتار انسانها دارند اما گاهی نیز به صورت حیواناتی نقش شده اند که بر پشت آنها ایزدی سوار است.

ایزدان بسیار دیگری هم تنها به عنوان جزء ترکیبی نامهای خاص شناخته شده‌اند و فقط می‌توان امیدوار بود که تحقیقات آینده اطلاعات بیشتری درباره‌ی دنیای شگفت انگیز ایزدان عیلامی در اختیار ما قرار دهند.

### کاهنان و نیایش در عیلام

در همه‌ی دوران‌ها، شاه مهمترین مباشر ایزدان بر روی زمین بود. شاه شکارچی راهبر، نخستین فرد در مبارزه و جنگ و والاترین کاهن به حساب می‌آمد. در دوران سوکالمخ - در آغاز هزاره‌ی دوم پیش از میلاد - شاهان خودشان شخصاً به مثابه ایزد مورد احترام بودند.<sup>۱</sup>

در چند مورد نام شاهان با نشانه DINGIR مشخص شده است که در سایر موارد مشخص کننده‌ی نام ایزدان است.

پس از شاه کاهن بزرگ قرار داشت که در عیلامی فقط عنوان اکدی او یعنی باشی‌شو ربو (Pašišu rabu) را می‌دانیم. وظیفه او همراهی دائم شاه، حتی به هنگام عملیات جنگی بود.

کاهنان عادی شاتین (Šatin) نامیده می‌شدند. در نقوش کهن، کاهنان خدمات و وظایف الهی را برهنه انجام می‌دادند. آنها موهایی بلند و یا کلاه گیس داشتند. در غیر اینصورت تاجی به سر می‌گذاشتند که شاخهایی روی آن تعبیه شده بود. علاوه بر این به کاهنان زن نیز بر می‌خوریم. این امر نشان می‌دهد که موقعیت زنان کاملاً با مردان هم ردیفشان برابر بوده است. آنها نیز به خرید و فروش خانه می‌پرداختند و زمین و پولی را که باید دارایی خودشان بوده باشد، اجاره و وام می‌دادند. برای نمونه، یک کاهن زن مقدار معینی نقره به پرستارش حواله داده است. در معامله‌های قانونی این کاهنان زن به مثابه شاهد ایفای نقش می‌کردند. دختران «همخانانه» های پی نی کیر هم احتمالاً به منزله‌ی کاهن زن خدمت می‌کردند. در آمد چنین تاسیساتی به ایزد بانوها اختصاص داشت. ایزدان و ایزد بانوها معمولاً دارایی‌های زیادی داشتند. مثلاً اینشوشیناک، شاماش سیموت و ایزد - بانو

همه‌ی این ویژگیها متناسب با اینشوشیناک نیز هست. اینشوشیناک کارکردهای بسیار متنوعی داشت و علاوه بر «پدر ضحفا» با عنوان «شاه یزدان» هم به او اشاره می‌شد. برای عموم مردم مهم ترین ایزد اینشوشیناک بود که رفاه آنها را تامین می‌کرد و از منظر سلطنتی هم ضامن حکومت شاه و حامی او در جنگهایش بود تا متحمل شکست نگردد. علاوه بر این او از حقوق مردم محافظت می‌کرد و در کشور حکم می‌راند. در متون حقوقی شوش مربوط به نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد، اینشوشیناک به همراه ایزد خورشید، نخستین ایزدانی هستند که شاهد گرفته شده‌اند و هر دو مسوول اجرای تصمیم‌های حقوقی و نگهداری هدایای نذری و بناها بودند.

در دوران عیلام قدیم غالباً نرگال (Nergal) همراه اینشوشیناک و ایزد خورشید شاماش یا ناهوته) بود. این ایزد سومری و اکدی فرمانروای دنیای زیرین، یعنی سرور اعلای مردگان بود. نرگال عامل تب و بیماریهای مسری بود و گرمای سوزان خورشید را که باعث سوختن نی‌ها می‌شد، کنترل می‌کرد. در عین حال او یک مرد جنگی بزرگ هم بود. در اسطوره‌شناسی بین‌النهرین، نرگال برادر نینورتا است که با اینشوشیناک معادل بوده است. به نظر می‌رسد در عیلام اینشوشیناک کارها و نقش‌های هر دو برادر را به خود اختصاص داد و در نتیجه قدرت او به منزله‌ی سرور دنیای زیرین هم بسیار افزایش یافت. سمیل او مار بود، حیوانی که به مثابه فرزند جهان تاریک، طبیعت منحصر به فرد و گیج کننده‌ی این ایزد را نشان می‌دهد.

در متون عیلام میانه اینشوشیناک به همراه ایشمه - کاراب (Ishme- Karab) و لاگامار (Lagamar) به منزله‌ی قاضی مردگان ظاهر می‌شود. هر دوی این اسامی اکدی و به معنای «کسی که دعا را مستجاب می‌کند» و «پی رحم» هستند که مبین روحیه این دو ایزد است. هر دوی آنها به منزله‌ی جزء ترکیبی اسم‌های خاص به کار می‌رفتند، البته ایشمه - کاراب از محبوبیت بیشتری برخوردار بود. در دوراوتناش یک معبد هم به او اختصاص داده شده بود که در کنار معبد کی ری ری شا قرار داشت. هدایای نذری مشابهی هم به او داده می‌شد. در آشور نیز ایشمه - کاراب یکی از قضات هفت گانه بود اما در عیلام اهمیت بیشتری داشت.

از ابتدای ترین دوران، قدرت و اهمیت اینشوشیناک برای همه ساکنان عیلام از پایین ترین مردم تا شاه کاملاً واضح است. پس این نکته که در دوره هخامنشی اینشوشیناک کاملاً ناپدید شد مساله قابل توجهی است. البته قابل درک است که چون او به منزله‌ی نگهدارنده کشور علیه دشمنان خارجی موقعیتی به دست نیاورد، در این دوران از اعتبار افتاد؛ بابلها و در رأس همه پارس‌ها بر کشور غلبه یافتند و عیلامی‌ها تابع خارجی‌ها شدند. پس با سقوط پادشاهان عیلام اینشوشیناک تمام نفوذش را از دست داد. در این شرایط هومیان دوباره بخشی از قدرت اصلی خود را بدست آورد. البته او مجبور بود این قدرت را با ایزد - هوای بابی آد (Adad) تقسیم کند.

در کنار این ایزدان اصلی، شمار زیادی از ایزدان فرعی قرار دارند که به ندرت از آنها سخن به میان می‌آید. در بین آنها «ایزد آزمایش سخت رودخانه»، شازی (Shazi) (۲) اهمیت خاصی داشت نقش او صادر کردن حکم بود؛ شکننده پیمان باید داخل آب می‌رفت یا این دعا که «باشد که ایزد شازی کاسه سرش را خرد کند!». در منابع اکدی (اکثراً اسناد حقوقی) آمده است که شازی پسر ایزد رودخانه است، اما اسم عیلامی او را نمی‌دانیم.

در متون باقیمانده الهه مشت (Mashti) یکبار به منزله‌ی «مادر خوب ایزدان» مطرح شده است. مشت با دیل باد (DIL- BAD)، «ستاره ونوس» مقایسه شده بود. اما می‌توانیم دیل باد را همان نارسینای (Narsina) عیلامی بدانیم. اوتناش - ناپیریشا برای زوهوراتر (Rukhu-

<sup>۱</sup> - Susa and Susiana in Second- Millennium Iran in part 5, Vol.II.

موسیقی همواره بخشی از مراسم نیایش عیلامی بود. در بالا از آوازخوان‌هایی صحبت کردیم که در نذورات روزانه معابد شرکت می‌کردند. در نقش مهری که نشان دهنده‌ی یک اجتماع مذهبی است، موسیقیدانهایی با چنگ، بربط و فلوت در کنار نقش ایزد تصویر شده‌اند.

یکی از پدیده‌های منحصر به فرد و ویژه عیلامی کیدن (Kiden) بود. هر ایزد کیدن خاص خود، یعنی جذبه‌ای بخصوص و حدی از حمایت جادویی را داشت. این پدیده روحی و مذهبی بیان عینی خود را در یک نشان - تابو یافت. از جمله کاربردهای این نشان - تابو این بود که اشرار می‌بایست قبل از اعدامشان با آن تماس داشته باشند. در بسیاری از حالات آنها در همان هنگام تماس با این نشان ویژه در نتیجه پاسخ حسی‌شان می‌مردند. به معنای وسیع‌تر کیدن اتافی بود که در آن یک نشان - تابو نگهداری می‌شد. قبل از ادای سوگند شاهدان را به آنجا راهنمایی می‌کردند. در بیشتر موارد کیدن متعلق به اینشوشیناک بود اما از کیدن سیموت و ایزدان کم‌اهمیت‌تری مانند روهوراتر و کوبوزی (Kubuzzi) نیز صحبت شده است. عیلامی‌ها معتقد بودند اگر ایزدی، کیدن حفاظت کننده‌اش را از کسی دور کند، آن فرد باید بمیرد.

### ایران هخامنشی

عمده‌ترین منبع شناخت خداشناسی ایرانی، اوستا، یعنی سروده‌های کاهنان زرتشتی است. کهن‌ترین بخش اوستا که به خود زرتشت منتسب است، گاتها می‌باشد. زرتشت آموخت که تنها یک خدا، یعنی اهورامزدا یا خدای دانا وجود دارد و همه باید از «دروغ» و «کسی که در خدمت دروغ است» دوری کنند و در آرزوی ورود به پادشاهی ابدی خدا باشند در راه رسیدن به این هدف فرد توسط سه فرشته بزرگ یعنی وهومنه (Vohumanah) «اندیشه نیک»، ارتام (Rtam)، «فرمان درست» و آرمایتی (Armaiti)، «فداکاری» حمایت می‌شود.

درباره‌ی دین هخامنشیان عقاید و نظرات متفاوتی وجود دارد. سوال اصلی این است که آیا آنها پیرو زرتشت بوده‌اند یا خیر. تنها منبع اطلاعات در این زمینه تا کنون مورخان یونانی و در رأس آنها هرودت بوده است که در قرون ۵ پ.م و در زمان امپراتوری هخامنشی زیسته است. در کتیبه‌های شاهان هخامنشی نیز اشاراتی به عقاید فرمانروایان وجود دارد. آنچه از این کتیبه‌ها می‌آموزیم این است که نزد داریوش و جانشینانش بالاترین ایزد اهورامزدا بوده است (ن. کد. 5 Darius I and the persian Empire in part 5 vol. II).

در سالهای ۱۹۳۴-۱۹۳۳ در جریان کاوشهای موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو در تخت جمشید، پایتخت امپراتوری پارس، ارنست هرتسفلد موفق به کشف آرشویی اسناد اداری شد که در بردارنده ۳۰۰۰۰ لوح گلی بود. ۶۰۰۰ عدد از این لوحها کم و بیش خوب حفظ شده‌اند و تا کنون کمی بیش از ۲۰۰۰ عدد آنها چاپ و منتشر شده است. این لوحها که به زبان عیلامی داریوش اول (داریوش بزرگ) ۴۸۶-۵۲۲ پ.م. تعلق دارند و به زبان عیلامی نگاشته شده‌اند، اسناد اداری سرزمین اصلی پارس شامل ناحیه عیلام (که بعدها الیمایس نام گرفت) تا مرزهای شوش هستند. این داده جدید نه تنها درباره‌ی سیستم اداری و اقتصادی هخامنشیان، بلکه اطلاعاتی نیز درباره‌ی زندگی روزمره ساکنان قلمرو پارس و محیط مذهبی آنها در اختیار ما می‌نهد. با کمک این منابع اصلی می‌توانیم درباره خداشناسی و نیایش ایران هخامنشی دقیق‌تر از گذشته صحبت کنیم.

اوپورکوباک زمین دارانی بودند که زمینهای خود را اجاره و برای کشت زمینهایشان غله کرایه می‌دادند («اجاره دادن دانه» یعنی مقدار معینی دانه غلات تحویل داده می‌شد و سپس باید با یک مقدار مضاعف بازگردانده می‌شد). علاوه بر این، آنها مانند بانکهای اعتباری وام می‌پرداختند. ایزد خورشید در این زمینه بسیار فعال بود. بنابراین کاهنان نه تنها مسوول وظایف مذهبی بلکه مدیران ماهری نیز برای سرمایه‌ها و مستقلات بودند.

بر روی یک صفحه برنزی حکاکی شده که توسط شیلهاک - اینشوشیناک در نیمه دوم قرن دوازدهم پیش از میلاد وقف شده است، جشنی به نام سیت شمشی (Sitsamsi) شرح داده شده است که اصطلاحی اکدی برای «طلوع خورشید» است. در وسط صفحه دو کاهن برهنه چمپاتمه زده‌اند و یکی از آنها در حال ریختن آب روی دستهای دیگری است. در واقع آنها مراسم طهارت را در ابتدای روز انجام می‌دهند. آب احتمالاً از آفتابه‌ای برداشته شده است که در کنار یک تاس قرار دارد. بین دو ستون نیز یک میز هدایا دیده می‌شود. در اطراف کاهنان، معابدی دیده می‌شود و در مقابل معبد کوچکتر، یک بوستان مقدس گسترده شده است.

معابد مرتفع در شهرهای اصلی ساخته می‌شدند. این معابد موسوم به زیگورات و معمولاً پله دار بودند به طوری که هر طبقه از آنها روی دیگری قرار داشت. این معابد را به کمک کاوشهای باستان شناسی - برای نمونه معبد نورانتاش - و از روی نقش برجسته‌ها می‌شناسیم. معابد را معمولاً با شاخهای بزرگی تزیین می‌کردند که بر اساس کتیبه‌های وقفی از چوب یا مرمر سفید ساخته و سپس طلاکاری می‌شدند. طلا بسیار مورد استفاده بود و نه تنها مجسمه‌های طلا در مقابل ایزدان چیده می‌شدند بلکه درها، تیرها و آجرها نیز آب طلا دانه می‌شدند تا تائیربازی رنگها را از میله‌های شیشه‌ای زیادی که زمانی زینت بخش معابد بودند، در می‌یابیم.

بوستان‌های مقدس متداول‌تر از معابد آجری بودند و مرتباً در متون از آنها صحبت شده است. این محوطه‌های مقدس محصور شده بودند و یک سکوی قربانی مرکز نیایشگاه را تشکیل می‌داد. در چند مورد از سکوهای قربانی و میزهای هدایای مکشوفه، مجراهایی برای عبور خون قربانی‌ها وجود داشت. در نیایش عیلامی خون عنصر اصلی بود. برای مثال شاه کوتیک اینشوشیناک (Kutik - Inshushinak) حدود ۲۲۵۰ پ.م - برای معبد اینشوشیناک در شوش چنین تعهدی داشت: هر روز یک بره در محراب بالا، یک بره در محراب پایین‌تر، آواز خوانان در صبح و عصر، بیست بیمانه روغن برای روغن مالی درها و نیز طلا و نقره (ظاهراً موارد بیشتری نیز وجود داشته اما متن در اینجا قطع می‌شود).

در کنار این هدایای معمول، ضیافت‌های بزرگی هم برگزار می‌شد که همه مردم به آنها علاقمند بودند. مهمترین این جشنها گوشوم (gushum) بوده است که به «بانوی شهر رفیع» پیشکش شده بود. نمی‌دانیم این بانو چه کسی بوده است. شاید این جشن، جشن سنتی و قدیمی بوده که در اصل برای یک ایزد - مادر قدیمی برگزار شده است. سپس این جشن به پی‌ئی کیر و کی ری شا منتقل شده است. حداقل در دوران عیلام میانه هدایای این جشن به کی ری شا تقدیم می‌شد. تعداد زیادی قوچ جوان پروار ذبح می‌شد زیرا این جشن «جشن هدایای جاری شده» نیز نامیده می‌شد و جریانهای خون باید از سکوهای قربانی جاری می‌شد. این جشن همیشه در آغاز پاییز و هنگام ماه نو برگزار می‌شد که مصادف با شروع سال نو بود. پس از انجام قربانی‌های رسمی، جشنی عمومی همراه با موسیقی و آواز برگزار می‌شد، گوشت قربانیها کباب می‌شد و هر کس قطعه‌ای از آن را دریافت می‌کرد.

## دین رسمی

بعضی از لوحه های بدست آمده از تخت جمشید درباره‌ی مخارج هدایا هستند در این لوحه‌ها از چند ایزد، انواع متنوع هدایا و کاهنانی با عناوین عیلامی و ایرانی صحبت شده است. در نگاه نخست موضوع (یعنی اسامی متفاوت ایزدان و عناوین ناشناخته) بسیار گیج کننده به نظر می‌رسد. ولی در این میان یک عنوان یعنی «لان» lan بسیار به چشم می‌خورد «پیشوند» دینگر (d) نشان دهنده‌ی جنبه خدایی عنوان است. کلمه عیلامی «لان» در اصل به معنای «حضور الهی»، در معنای مجازی به معنی «نیایش مذهبی» و یا در معنای ذاتی به معنی «قربانی» است. لوح از اینکه قربانی برای چه کسی انجام شده است صحبتی نمی‌کنند. مطمئناً این واژه برای همه ساکنان امپراتوری ایران شناخته شده بوده و نیازی به توضیح نداشته است. در فهرستهای الهی، «لان» هم‌ردیف اسامی خدایان آمده است. در نتیجه احتمالاً این هدیه خاص برای ایزد ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شد.

مراسم قربانی «لان» تنها مراسمی بود که برای آن جیره منظم ماهیانه در نظر گرفته شده بود. میزان این جیره از شهری به شهر دیگر احتمالاً بر اساس اهمیت معبد یا تعداد افراد آن جامعه متفاوت بود. متداول‌ترین جیره ۳۰ لیتر حیوانات یا آرد و ۱۰ لیتر شراب در هر ماه یا یک لیتر آرد و ۱/۳ لیتر شراب در هر روز بود. در بعضی موارد به جای شراب از میوه صحبت شده است. در چند لوح بهای در نظر گرفته شده برای مراسم قربانی «لان» «جیره‌های شاه» نامیده شده است. این عنوان فقط در ارتباط با هدیه نیایشی خاصی است و بنابراین خود شاه انجام منظم این قربانی را مقرر می‌کرد. پس به این نتیجه می‌رسیم که این قربانی باید ویژه اهورامزدا بوده باشد چرا که تنها ایزد مذکور در همه‌ی کتیبه‌های داریوش (ایزدی که به شاه قدرت داد) همانا اهورامزدا است.

جشن مراسم قربانی «لان» در سراسر سرزمین پارس اجرا می‌شد. «لان» در مجاورت شهرهای بزرگ تخت جمشید و شیراز تا نواحی جنوب شرقی و جنوب غربی و شمال شرقی تخت جمشید جشن گرفته می‌شد هر چه از تخت جمشید به سمت غرب یعنی به سوی عیلام می‌رویم، از اهمیت این جشن کاسته می‌شود. اما در سرزمین مرزی بین پارس و الیمایس سالی یک بار جشنواره بزرگی برای ایزدانی معین برگزار می‌شد که فقط ویژه آن منطقه بوده و احتمالاً ریشه در سنن محلی داشته است. در ناحیه عیلامی الیمایس، «لان» فقط در دو ناحیه‌ی منطقه مرزی برگزار می‌شد و دیگر هیچ اشاره‌ای به این مراسم ویژه وجود ندارد. این حقیقت نشان می‌دهد که در دوره هخامنشی «لان» هیچ گاه یک قربانی عمومی نبوده بلکه نوعی قربانی ویژه محسوب می‌شده است و اینکه این قربانی نمی‌توانست وقف یک ایزد عیلامی شود چون در منطقه ای که عیلامی‌ها اکثریت ساکنان آن را تشکیل می‌دادند، این قربانی بسیار نادر بود.

## کاهنان

در متون عناوین متنوع و گسترده‌ای برای کاهنان آورده شده است. اول از همه واژه عیلامی ساتین (Šatin) است. کاهنانی که اینگونه معرفی می‌شدند در رأس همه مسؤول ایزدان عیلامی و بابلی بودند. البته آنها ایزدان ایرانی را نیز می‌پرستیدند. دومین و متداول‌ترین عنوان مغ یا جادوگر بود این کاهنان مادی فقط ایزدان ایرانی را می‌پرستند. آنها گاهی فرمزدا (framazda) یا «یادآورنده‌ی برجسته» نیز نامیده می‌شدند که عنوانی افتخارتمی بود. این عنوان تنها سه بار در متون و در ارتباط با ایزدان ایرانی

دیده شده است. در چند مورد یک مغ «لان- لی ری را» (lan- lirira) یعنی «برگزار کننده‌ی لان- قربانی» خوانده شده است که نشان دهنده‌ی مسؤولیت او برای مراسم «لان» است. این امر که حکومت تاکید بر این وظیفه را لازم می‌شمارد به وضوح نشان می‌دهد که مغان در اصل وظایف کاملاً متفاوتی بر عهده داشته‌اند.

عنوان آتروخشا (atvaxša) که گاهی برای مغان به کار می‌رفت، نیز مبین همین موضوع است. معنای این عنوان سوم چنین است: «کسی که به آتش اجازه می‌دهد تا زیاد شود» و عنوانی کاملاً زرتشتی است. کاهنی که تنها این عنوان را داشت دقیقاً مسؤول مراسم قربانی «لان» بود و همین امر دلیل آن است که هدایا برای اهورامزدا یوده است. استفاده عنوان «جادوگر» و آتروخشا در کنار هم و برای یک شخص نشان می‌دهد که هر کدام از این عنوان‌ها در اصل معرفی کننده‌ی نیایش‌های متفاوتی هستند. در زمان داریوش اول ملاحظات سیاست مذهبی مغان را وادار می‌کرد تا با وارد کردن دین زرتشتی در برنامه‌شان خود را با آن تطبیق دهند. در ابتدا، این مغان نتوانستند به موقعیتی نظیر موقعیت بالای کاهنان کاملاً زرتشتی برسند. کاهنان کاملاً زرتشتی به منزله‌ی بازرسان حکومتی نیز عمل می‌کردند؛ مثلاً برای گواهی بر درستی حسابها.

اگر کسی همه‌ی حقایق و موارد ذکر شده را در نظر بگیرد به این نتیجه می‌رسد که مراسم قربانی «لان» مهمترین عنصر مذهب رسمی بود و تقریباً متقن است که یک قربانی رسمی برای اهورامزدا بوده است. سیاست مذهبی هخامنشیان چند ایزد دیگر را نیز بر می‌تابد که آنها نیز هدایایی از جانب مردم دریافت می‌کردند. این ایزدان هنوز اهمیت و نفوذ محلی داشتند. به منظور نشان دادن تفاوت‌های موجود میان ایزدان فوق الذکر و دین رسمی که با قربانی «لان» مشخص شده است، نگاهی دقیق‌تر به این ایزدان خواهیم داشت.

## ایزدان ایرانی

از ویسای بگا (Visai Baga) یا گروهی از خدایان که نامشان به معنای «همه‌ی ایزدان» است، در لوحه‌های گلی اداری تخت جمشید بیشتر صحبت شده است. در سروده‌های هندی ریگ ودا این گروه ایزدان ویشوه دیوا (Vishve Devah) نامیده شده‌اند که به همان معناست. در تعلیمات زرتشت «دیوا» به دیوهای پلید اشاره داشت در حالیکه در اینجا این ایزدان هستند که بگا نامیده شده‌اند. شاید خاطره‌ای از این گروه ایزدان در میان مردم باقی مانده و دوباره با نام جدید бага به جای Devah ظاهر شده و مورد پرستش قرار گرفته است، و شاید وقتی داریوش در کتیبه‌اش می‌گوید «هورامزدا با همه ایزدان» به گروه خاصی از ایزدان اشاره دارد. گرچه Visai бага در میان ایزدان قدیمی بیش از همه ذکر شده است اما در مقایسه با «لان» ظهور آن بسیار نادر و کم است. سنت پرستش این ایزدان تنها در یک منطقه باقی بود و در ۸ ناحیه از منطقه‌ای که در غرب و جنوب غربی تخت جمشید واقع بود آنها هدایایی دریافت می‌کردند.

در این باره چند محقق نظری به این صورت مطرح کرده‌اند که این عنوان به جای Visai Baga، Mice Baga قرارت شود به معنای «ایزد میترا». اما هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد میترا در زمان داریوش اول هدیه‌ای دریافت کرده باشد. میترا که مطابق معنای تحت اللفظی‌اش ایزد عهد و پیمان بود بعدها ایزد خورشید و ایزد پیروز جنگها شد و در دنیای هند و آریایی محبوب‌ترین ایزدان گشت. پرستندگان میترا در غارهای تاریک و به هنگام شب برای او مراسمی به جای می‌آوردند و طی آن گاوهایی را قربانی کرده و

منظم در مراسم خاص تنها غلات، شراب و میوه دریافت می کردند که شاید تنها یک بار در سال برگزار می شد. بنابراین می توانیم بگوییم که خدایان مادی و ایرانی هم چنان در دوره‌ی هخامنشی مورد پرستش بودند و به عنوان هدیه جیره‌های رسمی دریافت می نمودند اما تعداد آنها بسیار کم و محدود به مناطق کوچکی بود.

### ایزدان عیلامی و بابلی

به علت بردباری و اغماض شاه پارسی، ایزدان عیلامی و بابلی نیز جیره‌هایی به منزله‌ی هدیه دریافت می کردند. البته آنها فقط توسط عیلامی‌ها مورد احترام بودند. در نتیجه در المایس و بعضی از مناطق منفرد در سرزمین پارس وجود داشتند (باید به خاطر داشته باشیم که عیلامیها در سراسر کشور زندگی می کردند).

هومبان ایزد قدیمی عیلامی که مسؤول هوا و طوفانها بود، به اندازه‌ی آدد (Adad) ایزد بابلی هوا، هدیه دریافت می کرد. در چند مکان این دو با هم مورد پرستش قرار می گرفتند. در بعضی از الواح آمده است که هلدایا «برای ایزدان» مقرر شده‌اند و در یک مورد «ایزدان» هومبان و آدد معرفی شده‌اند. پس شاید بتوان حدس زد که کاتب الواح همیشه هنگام نوشتن عبارت «برای ایزدان» مفهوم عیلامی آن یعنی هر دوی این ایزدان را در نظر داشته است. خارج از محدوده الیمایها هومبان در منطقه مرزی عیلام- پارس در چند مکان پرستش می شد و تنها ایزد عیلامی بود که در این منطقه قربانی دریافت می کرد. او همچنین با روستایی در ناحیه‌ی جنوب شرقی تخت جمشید در ارتباط بود. در مکانی دیگر از همان منطقه ما با تنها مورد حضور آدد در خارج از مرزهای الیمایس روبرو هستیم. همراه با آن به ایزد ناپازاپا (Napazapa) اشاره شده است که ناشناخته است اما نام او عیلامی به نظر می رسد. ناپیریشا «ایزد بزرگ» رقیب هومبان، در سه مکان در الیمایس و چهار مکان در محدوده‌ی جنوب غربی تخت جمشید مورد احترام و پرستش بود. تعدادی از سایر ایزدان عیلامی که قابل تعیین هویت نیستند در مکان های متعددی پرستش می شدند. به نظر می رسد بعضی از آنها مسؤول فرلوانی آب و حاصلخیزی بودند.

برای عیلامیان دوره هخامنشی مهم ترین امر قربانی ویژه‌ای بود که کوشوکوم (Kusukum) خوانده می شد و در آن گوسفند ن ذبح می کردند. شاید منشاء این مراسم در گوشوم (gušum) قدیمی عیلام باشد که برای «بانوی شهر رفیع» برگزار می شد. همان طور که گفته شد، مهم ترین عنصر این جشنواره قربانی گوسفند ن بوده است. در اینجا تفاوت قاطعی رامی یابیم. به مثابه یک قانون عمومی، سیستم حکومتی هخامنشیان هرگز حیوانات را برای قربانی توزیع نمی کرد و فقط دانه‌های آرد، شراب، آبجو یا میوه برای این امر در نظر گرفته می شد. ذبح گوسفند ن مشخصاً برای عیلامیها و در مراسم کوشوکوم اهمیت داشت. پس در تمام موارد شناخته شده، کاهنان عیلامی آرد و غلاتی را که از طرف دولت دریافت می کردند ذخیره نموده و با آن گوسفند ن می خریدند. این موضوع نشان می دهد که قربانی حیوانات از طرف حکومت پذیرفته نشده بود. جدا از عیلامیها به مراسم کوشوکوم تنها یکبار اشاره شده است که در آن هم کاهنان فقط شراب دریافت می کردند.

### خلاصه

بر اساس لوحه‌های گلی عیلامی بایگانی داریوش اول در تخت جمشید، چند مساله درباره دین هخامنشیان روشن می شود. از یک سو، به وضوح یک دین

هوم می نوشیدند. این نوشیدنی سکرآور از قارچهای خشک شده درست می شد و تاثیرش را تنها در صورتی از دست می داد که ۸ یا ۹ بار از بدن انسان بگذرد(۴).

همتای مونث میترا، آناهیتا الهه‌ی عشق و حاصلخیزی بود. زرتشت علیه این دو ایزد بسیار مبارزه کرد و این حقیقت که آنها در دوره ی داریوش اول هیچ هدیه‌ای دریافت نمی کردند، نشان می دهد که در دوره‌ی داریوش این ایزدان مطابق تعلیمات زرتشت قانونی نبودند. هر دوی آنها تنها پس از گذشت زمان قدرت اجرایی بدست آوردند و دوباره در کتیبه‌های اردشیر دوم (۳۵۹-۴۰۵ پ.م) ظاهر شدند.

زوان، هواریرا، و ناریاسانگا (Naryasanga, Hvarira, Zurvan) زروان ایزد قدیمی مادی در اوستا (متون دوران میانه متاخر به بعد) به مثابه ایزد زمان نامتناهی و پدر اهورامزدا و همتای شر او یعنی اهریمن ظاهر می شود. در الواح تخت جمشید از زروان فقط در ارتباط با سه مکان نزدیک به هم صحبت می شده است. در این دهکده‌ها Visai Baga نیز مورد پرستش بود. در این میان دو مکان هدایایی به Hvarira یا «شکوه طلوع خورشید» اختصاص می یافت. در دو مکان دیگر فقط Narya Sanga که در اوستا «بیک ایزدان» نامیده شده است، مورد پرستش بود. منطقه‌ای که در آن، این ایزدان پرستش می شدند در قسمت‌های غربی و جنوب غربی تخت جمشید واقع است و احتمالاً مامن ایزدان مادی قدیمی بوده است.

**کوهها و رودخانه‌ها:** در همین محدوده، کوهها و رودخانه‌هایی به منزله‌ی ایزدان پرستش می شدند. هیچ اثری از این رسم و سنت در سایر مناطق سرزمین پارس در دست نیست و علت این امر باید در شرایط جغرافیایی نهفته باشد. در منطقه ی مورد نظر، یعنی جنوب غربی تخت جمشید، کوههای بسیار بلند و رودهای مهمی قرار دارند. در بعضی موارد یک کوه خاص هدایایی از دو یا سه روستا دریافت می کرد. پس احتمالاً این روستاها باید همگی در همسایگی همان کوه واقع شده بودند. مکانهایی که رود در آنها مورد پرستش بود احتمالاً دورتر از هم بودند، اما به هر حال در کنار یک رود قرار داشتند. نامهای کوهها و رودهای مورد اشاره، همانند اسامی ایزدان ایرانی به نظر می رسند. پس پرستش پدیده‌های طبیعی برجسته و آشکار باید یک سنت ایرانی قدیمی باشد که فقط در این منطقه‌ی محدود به طور مشخص باقی مانده بود.

**Thaigreish, Bratakamya, Mizdushish**: علاوه بر خدایان ایرانی که در بالا به آنها اشاره شد، تنها چند ایزد دیگر در مجاورت ناحیه‌های در شمال به چشم می خوردند که به ندرت به آنها سوگند یاد شده است. در دو منطقه در کنار شاهراهی که از تخت جمشید به شوش منتهی می شد، درست قبل از مرزهای ناحیه عیلام، ما با ایزد - بانوی سرنوشت، Mizdushish مواجه می شویم. این ایزد- بانو مسؤول رفاه و خیر ابناء بشر بود. بنابراین مایه تعجب است که بسیاری از اوقات او را نمی بینیم. در زمان داریوش تمامی کارکردهای ایزدان قدیمی ایرانی در یک ایزد، یعنی اهورامزدا متمرکز شده بود، که نتیجه تعلیمات زرتشت بود. در یک مورد برای ایزد بانو Mizdushish همزمان با ماه سوم یعنی Thaigracish جشن گرفته شد. این اسم را می توان چنین ترجمه کرد «ماه» جمع آوری سیر». این حقیقت که ماه نیز مورد پرستش قرار می گرفت نشان می دهد شخصیت پردازی‌های دیگری نیز صورت می گرفته است. در واقع اسامی ماهها گاهی با علامت DINGIR آورده می شد.

در دو مکان دیگر به ایزد Bratakamy یا «برآورنده آرزوها» اشاره شده است. اما این تعداد معدود ایزدان ایرانی که در اینجا بودند به جای جیره‌های

## BIBLIOGRAPHY

WALTHER HINZ, *Lost World of Elam: Re-Creation of a Vanished Civilization*, translated by JENNIFER BARNES (1972), "Religion in Ancient Elam," in *The Cambridge Ancient History*, vol. 1, pt. 2, *Early History of the Middle East* (3rd ed. 1971), and *Darius und die Perser*, vols. 1 (1976) and 2 (1979); WALTER HINZ and HEIDEMARIE KOCH, *Elamisches Wörterbuch*, vols. 1 and 2, *Archäologische Mitteilungen aus Iran, Ergänzungsband 17* (1987); STANLEY INSLER, trans., *The Gāthās of Zarathustra*, *Acta Iranica* 8 (1975); HEIDEMARIE KOCH, *Die religiösen Verhältnisse der Dareioszeit: Untersuchungen an Hand der elamischen Persepolistafelchen*, *Göttinger Orientforschungen III. Reihe: Iranica*, Bd. 4 (1977), "Götter und ihre Verehrung im achämenidischen Persien," *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* 77, no. 2 (1987), *Verwaltung und Wirtschaft im persischen Kernland zur Zeit der Achämeniden*, *Beih. zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients*, Reihe B Nr. 89 (1990), "Zu Religion und Kulturen im persischen Kernland," in *La Religion iranienne à l'époque achéménide: Actes du Colloque de Liège 11 décembre 1987*, edited by JEAN KELLENS (1991); and *Es kündigt Dareios der König . . . Vom Leben im persischen Grossreich*, *Kulturgeschichte der Antiken Welt*, Bd. 55 (1992); and URSULA SEIDL, *Die elamischen Felsreliefs von Kurangun und Naqš-e Rostam*, *Iranische Denkmäler, Lieferung 12*, Reihe 4, *Iranische Felsreliefs* (1986).

رسمی وجود داشته است که در مراسم قربانی «لن» نمود می‌یابد. lan - قربانی هدیه‌ای رسمی برای اهورامزدا بود که توسط خود شاه تنظیم می‌شد. lan - قربانی تنها موردی است که مکرراً ظاهر شده و منظمأ جشن گرفته می‌شد. این مساله در سراسر سرزمین پارس و تنها دو مکان در ناحیه الیمایس انجام می‌شد. گذشته از lan - هدیه، چند ایزد قدیمی و در راس آنها ایزدان مادی پرستش می‌شدند اما نفوذ آنها به چند منطقه کوچک محدود می‌شد و پرستش آنها مشخصاً بقایای سنتهای محلی بود. دولت هدایا را برای همه آنها و برای ایزدان بابلی و عیلامی که پرستش و احترام به آنها در الیمایس متمرکز بود، تقسیم می‌کرد. اما با وجود اینکه بردباری مذهبی قابل ملاحظه‌ای وجود داشت، برخی از اصول پایه‌ای باید در نظر گرفته می‌شد. تنها غلات یا آرد، شراب یا آبجو یا میوه به منزله‌ی هدایا و نذورات پذیرفته می‌شد و نه حیوانات. پس می‌توان گفت که بر اساس منابعی که اکنون در اختیار داریم، نخستین هخامنشیان باید پیروان ایمان تعلیم داده شده توسط زرتشت بوده باشند و قربانی حیوانات با عقاید آنها تناسبی نداشت. به این ترتیب ایزدی همچون میترای گاوکش ارزش پرستش نداشته است.

پی نوشت ها:

این مقاله ترجمه‌ای است از:

Heidemarie Koch

1995 "Theology and Worship in Elam and Achaemenid Iran". *Civilization of the Ancient Near East*. Edited by: Jack M. Sasson, Vol.1, New York: Simon & Schuster MacMillian.

- مترجم بر خود لازم می‌داند تا از دکتر عباس علیزاده که متن مقاله را برای ترجمه در اختیارم گذارند و در رفع برخی اشتباهات مرا راهنمایی نمودند، قدرتی نماید. ۱- تتوفوریک: نامی که از ترکیب نام ایزد با واژه‌های دیگر ساخته شده است (مترجم).

۲- در بین‌النهرین باستان، گاه برای اثبات جرم افراد، آنها را به رودخانه می‌انداختند اگر فرد سالم از رود پیرون می‌آمد، از گناهان بری شناخته می‌شد (مترجم).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

